

فصل پنجم

زکات

جایگاه زکات در دین:

زکات یکی از ارکان و فرایض اسلام است :

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : (بنی الإسلام علی خمس، شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصيام رمضان)^[787] «اسلام از پنج رکن تشکیل شده است، شهادتین، برپاداشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا و روزه رمضان».

زکات در هشتاد و دو آیه قرآن به همراه نماز آمده است.

تشویق بر ادای زکات:

خداوند متعال می‌فرماید :

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا) (توبه : 103)

«ای پیامبر) از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را (از رذایل اخلاقی و گناهان و تنگ چشمی) پاک داری و (در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و درجات) ایشان را بالا ببری».

و می‌فرماید :

(وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ، وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ) (روم : 39)

«آنچه را که به عنوان ربا می‌دهید تا از اموال مردم فزونی یابد نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را که به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را منظور نظر می‌دارید، چنین کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود :

(من تصدق بعدل تمرة من كسب طيب، و لا يقبل الله إلا الطيب، فإن الله يتقبلها بيمينه ثم يرببها لصاحبها كما يربى أحدكم فلوه حتى تكون مثل الجبل)^[788] «هر کس به اندازه یک

دانه خرما از کسب پاک و حلال صدقه بدهد - و خداوند غیر از پاک و حلال را قبول نمی‌کند - خداوند آن را با (دست) راستش قبول می‌کند، سپس آن را برای صاحبش افزایش می‌دهد تا اینکه به اندازه یک کوه می‌رسد همچنان که کسی از شما کره اسبش را پرورش می‌دهد».

فهرست

تحدیر از ندادن زکات:

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَلَايَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (آل عمران : 180)

«آنانکه نسبت بدانچه خداوند از فضل و نعمت خود بدیشان عطا کرده است بخل می‌ورزند، گمان نکنند که این کار برای آنان خوب است و به سود ایشان است، بلکه این کار برای آنان بد است و به زیان ایشان تمام می‌شود. در روز قیامت همان چیزی که بدان بخل ورزیده‌اند طوق (گردن) ایشان می‌گردد. و همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است و سرانجام هم همه را به ارث خواهد برد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بسیار آگاه است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (من آتاه الله مالا فلم يؤد زكاته مثل له يوم القيامة شجاعا أقرع له زبيبتان يطوقه يوم القيامة، ثم يأخذ بلهزمتيه - یعنی شذقيه - ثم يقول : أنا كنزك، أنا مالك، ثم تلا هذه الآية : (وَلَايَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... [789]) «کسی که خداوند به او مالی بدهد و زکاتش را پرداخت نکند در روز قیامت مال او به صورت یک مار افعی کچل (سرش از کثرت سم کچل شده باشد) نمایان می‌شود که دو نقطه سیاه بر روی چشمانش دارد و به گردن او می‌پیچد سپس چانه‌هایش را می‌گیرد و می‌گوید من گنج تو هستم من مال تو هستم (که زکات آن را ندادی) سپس این آیه را خواند : (وَلَايَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...) «گمان نبرند آنانی که بخل می‌ورزند در آنچه خداوند از فضل خویش به آنان داده است...».

و خداوند متعال می‌فرماید :

(وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ)

(توبه : 34 و 35)

«و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می‌کنند و آن را در راه خدا خرج نمی‌نمایند، آنان را به عذاب بسیار دردناکی مژده بده. روزی (فرا خواهد رسید که این سکه‌ها در آتش دوزخ گذاخته می‌شوند و پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های ایشان با آنها داغ می‌گردد و بدیشان گفته می‌شود این همان چیزی است که برای خویشان اندوخته می‌کردید؛ پس اینک بچشید مزه آنچه را که اندوخته‌اید.»

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: **(ما من صاحب ذهب ولافضة لا یؤدی منها حقها إلا إذا کان یوم القیامة، صفحت له صفائح من نار فأحمی علیها فی نار جهنم فیکوی بها جنبه و جبینه و ظهره. كلما بردت أعیدت له. فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنة. حتی یقضی بین العباد. فیری سبيله، إما إلى الجنة و إما إلى النار).**

قیل: یا رسول الله! فالإبل؟ قال: ولا صاحب إبل لا یؤدی منها حقها، و من حقها حلبها یوم و ردها، إلا إذا کان یوم القیامة بطح لها بقاع قرقر، أوفر ماكانت لا یفقد منها فصیلا واحدا تطوه بأخفافها وتعضه بأفواهها، كلما مر علیه أو لاهها رد علیه أراها فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنة، حتی یقضی بین العباد فیری سبيله إما إلى الجنة و إما إلى النار) [790] «هر صاحب طلا و نقره‌ای که حق را ندهد؛ در روز قیامت تخته سنگهایی از آتش برای او پهن و با آتش جهنم گذاخته می‌شود و با آن پهلو و پیشانی و پشتش داغ می‌گردد، هر وقت که سرد شد دوباره داغ شده و به بدنش زده می‌شود در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است تا وقتی که بین بندگان دادرسی شود. آنگاه راهش به او نشان داده می‌شود که یا به سوی بهشت است یا به سوی آتش.»

گفته شد ای رسول خدا پس زکات شتر چی؟ فرمود: هر صاحب شتری که حق شترش را پرداخت نکند - و از جمله حق شتر دوشیدنش در روز آب دادنش است - حتماً روز قیامت زمینی وسیع برای شترانش گسترده می‌شود و حتی یک بچه شتر هم از تعداد آنها کم نمی‌شود آن شترها با پاهایشان صاحبشان را (که زکات آنها را نداده است) لگدکوب می‌کنند و با دندان‌هایشان اعضایش را گاز می‌گیرند، هرگاه اول شترها از روی او عبور کردند بلافاصله آخرشان بازگردانده می‌شوند تا بار دیگر از روی او عبور کنند در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است تا وقتی که بین بندگان قضاوت شود. آنگاه راهش به او نشان داده می‌شود که یا به سوی بهشت است یا به سوی آتش.»

فهرست

حکم مانعین زکات:

«زکات از واجباتی است که امت اسلامی بر آن اجماع کرده و شهرت آن به حدی رسیده است که از ضروریات دین به حساب می‌آید به طوری که اگر کسی وجوب آن را انکار کند از دایره اسلام خارج می‌شود و به جهت کفرش کشته می‌شود مگر اینکه تازه مسلمان باشد که در این صورت چون احکام اسلام را نمی‌داند معذور به حساب می‌آید.»

اما کسی که با وجود اعتقاد به وجوب زکات از پرداخت آن خودداری کند، به خاطر عدم پرداخت آن گناهکار می‌شود بدون اینکه این کار او را از دایره اسلام خارج کند و بر حاکم لازم است که به زور زکات را از او بگیرد»^[791]. که در این صورت نصف مال او را بعنوان مجازات می‌گیرد؛ به دلیل حدیث بهز بن حکیم از پدرش از جدش که گفت از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود: **(فی کل ابل سائمة، فی کل اربعین ابنة لبون، لایفرق ابل عن حسابها من اعطاها مؤتجرا فله اجرها، و من منعها فإنا أخذوها و شطر ماله عزمة من عزمات ربنا تبارک و تعالی لایحل لآل محمد منها شیئی)**^[792] «از هر چهل شتر سائمة (چرنده) یک بنت لبون (شتری ماده که دو سال را تمام کرده و وارد سه سال شده باشد) بعنوان زکات، واجب می‌گردد و دو نفر شریک نباید شترانشان را (هنگام زکات) از هم جدا کنند (به نیت اینکه زکات بر آنها واجب نشود)، هر کسی زکاتش را بمنظور دریافت پاداش پرداخت نماید، پاداشش را خواهد گرفت، و هر کسی از پرداخت آن خودداری کند، ما علاوه بر آن، نصف مالش را هم می‌گیریم که این حقی است از حقوق واجب خداوند و برای آل محمد چیزی از آن حلال نیست».

اگر گروهی به وجوب زکات اعتقاد داشتند ولی از ادای آن خودداری کردند، اگرچه دارای قوت و عزت باشند، باید با آنان اعلان جنگ شود تا آن را پرداخت کنند به دلیل فرموده پیامبر r: **(أمرت أن أقاتل الناس حتی شهدوا أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله، و یقیموا الصلاة و یؤتوا الزکاة، فإذا فعلوا ذلك عصموا منی دماءهم و أموالهم إلا بحق الإسلام و حسابهم علی الله)**^[793] «به من دستور داده شده که با مردم بجنگم تا وقتی که کلمه شهادتین را می‌گویند و نماز را اقامه و زکات را پرداخت کنند، وقتی این کار را کردند از طرف من خون و مالشان مصونیت پیدا می‌کند مگر به حق اسلام (که اگر مستحق قصاص باشند قصاص درباره آنها اجرا می‌شود) و حساب آنان با خداوند است».

از ابوهریره روایت است: وقتی پیامبر r فوت کرد و ابوبکر زمام امور را بدست گرفت و گروهی از عرب‌ها کافر شدند (و زکات ندادند)، عمر به ابوبکر گفت: **(کیف تقاتل الناس؟ و قد قال رسول الله r أمرت أن أقاتل الناس حتی یقولوا لا إله إلا الله، فمن قالها فقد عصم منی ماله و نفسه إلا بحقی و حسابهم علی الله. فقال: و الله لأقاتلن من فرق بین الصلاة و الزکاة، فإن الزکاة حق المال. و الله لو منعونی عناقا کانوا یؤدونها إلی رسول الله r لقاتلتهم علی منعها. فقال عمر: فوالله ما هو إلا أن قد شرح الله صدر أبی بکر للقتال فعرفت أنه الحق)**^[794] «چگونه با مردم می‌جنگی در حالی که پیامبر r فرموده: دستور داده شدم که با مردم بجنگم تا وقتی که لا إله إلا الله را بگویند، پس هر کس آن را بگوید مال و جان او از طرف من محفوظ می‌ماند مگر به حق اسلام و حساب آنان با خدا است، ابوبکر گفت: قسم به خدا اگر از پرداخت بزغاله (یکساله) ای که در زمان پیامبر r (به عنوان زکات) می‌دادند، خودداری کنند به خاطر آن با آنها می‌جنگم، عمر گفت ک به خدا قسم حقیقت این بود که خداوند سینه ابوبکر را برای جنگ (با مانعین زکات) گشوده و من بعداً دانستم که حق همان بود که ابوبکر انجام داد».

زکات بر چه کسانی واجب است؟

بر هر مسلمان آزادی که دارائیش به حد نصاب برسد و یک سال بر آن بگذرد زکات فرض می‌شود. بجز زراعات که (گذشت یک سال بر آن واجب نیست) و زکات آن در روز برداشت محصول به شرطی که به حد نصاب برسد، واجب می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید :

(وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ) (أنعام : 141)

«و به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردنشان زکات آنها را بدهید».

اموالی که زکات در آنها واجب است:

زکات در اموال زیر واجب است:

طلا و نقره، زراعات، میوهجات، حیوانات و معادن.

اول- زکات طلا و نقره:

حد نصاب و مقدار واجب آن

حد نصاب طلا بیست دینار^(۱) و حد نصاب نقره دویست درهم است^(ب) و مقدار واجب

هر کدام از آنها یک چهلم است : از علی بن ابی طالب روایت است که پیامبر فرمود : (إِذَا كَانَتْ لَكَ مَائَتَا دِرْهَمٍ وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَفِيهَا خُمُسَةٌ دِرْهَمٍ، وَ لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ - يَعْنِي فِي الذَّهَبِ حَتَّى يَكُونَ لَكَ عَشْرُونَ دِينَارًا، فَإِنْ كَانَتْ لَكَ عَشْرُونَ دِينَارًا وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَفِيهَا نِصْفُ دِينَارٍ)^[795] «اگر دویست درهم داشتی و یک سال بر آن گذشت، زکات آن پنج درهم است و طلا تا به بیست دینار نرسد زکات در آن واجب نیست ولی اگر به بیست دینار رسید و یک سال بر آن گذشت نیم دینار زکات در آن واجب می‌گردد».

فهرست

زکات زیور آلات:

زکات زیور آلات به دلیل عموم آیه و احادیث (مربوط به وجوب زکات در طلا و نقره واجب است و کسی که از این عموم چیزی را خارج کرده دلیلی ندارد. با وجود این دلایل خاصی نیز در این باره وجود دارد از آن جمله :

از ام سلمه روایت است : (كُنْتُ أَلْبَسُ أَوْضَاحًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكُنْزُ هُوَ؟ فَقَالَ : مَا بَلَغَ أَنْ تُؤَدِيَ زَكَاتَهُ فَرَكِي فَلَيْسَ بِكُنْزٍ)^[796] «مقداری زیور آلات طلا بر تن

داشتم. گفتم ای رسول خدا! آیا این زیورآلات کنز (مال اندوخته) محسوب می‌شوند؟ پیامبر r فرمود: اگر چیزی به حد نصاب رسید، زکاتش را پرداخت کن، در این صورت کنز به حساب نمی‌آید».

از عایشه روایت است: (دخل علی رسول الله r فرأی فی یدی فتحات من ورق، فقال: ما هذا یا عائشة؟ فقلت: صنعتهن أترین لک یا رسول الله، قال: أتودین زکاتهن؟ قلت لا، أو ما شاء الله، قال هو حسبک من النار)^[797] «پیامبر r به خانه‌ام وارد شد، و چند انگشتر نقره را در دست من دید، فرمود: عایشه این چیست؟ گفتم آنها را در دست کرده‌ام تا خود را برای شما بیاریم ای رسول خدا، فرمود آیا زکات آنها را می‌دهی، گفتم خیر، یا گفتم: هرچه خدا بخواهد، فرمود: این برای گرفتار شدن تو به آتش دوزخ کافی است».

فهرست

دوم: زکات کشتزار و میوه‌جات:

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ، وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ، كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (أنعام: 141)

«خدا است که باغ‌هایی را که بر پایه استوار می‌گردند و باغ‌هایی را که چنین نیستند، و درختان خرما و کشتزارها را آفریده است که ثمره آنها گوناگون است، و نیز درختان زیتون و انار را آفریده است که هم‌گونند و متفاوتند. هنگامی که به بار آمدند از میوه آنها بخورید و به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردنشان زکات آنها را بدهید، و اسراف نکنید، زیرا که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد».

محصولاتی که زکات در آنها واجب است:

زکات، تنها در چهار محصول مذکور در حدیث زیر واجب است:

از ابوبرده از ابوموسی و معاذ روایت است: (أن رسول الله r بعثهما إلى الیمن یعلمان الناس أمر دینهم، فأمرهم أن لا یأخذوا الصدقة إلا من هذه الأربعة: الحنطة، والشعیر و التمر و الزبیب)^[798] «پیامبر r آن دو را به یمن فرستاد تا به مردم احکام دینشان را آموزش دهند، و دستور داد تا زکات را تنها از این چهار محصول بگیرند: گندم، جو، خرما و مویز».

حد نصاب زکات در محصولات زراعی و میوه‌جات:

در محصولات زراعی و میوهجات زکات فرض است مشروط به اینکه به حد نصابی که در حدیث زیر ذکر شده برسند :

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود : (لیس فیما دون خمس نود صدقة من الإبل، و لیس فیما دون خمس أواق صدقة و لیس فیما دون خمسة أوسق صدقة) [799] «در کمتر از پنج شتر و کمتر از پنج أوقیه^(۱) و کمتر از پنج وسق^(۲) زکات واجب نیست».

مقدار واجب زکات محصولات زراعی و میوهجات:

از جابر روایت است که پیامبر r فرمود : (فیما سقت الأنهار و الغیم العشور، و فیما سقی بالسائیة نصف العشور) [800] «زکات محصولاتی که با جویبارها و باران آبیاری

می‌شود یک دهم و آنچه با شتر (یا ماشین‌آلات کشاورزی) آبیاری می‌شود یک بیستم است.

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : (فیما سقت السماء و العیون أوکان عثریا العشر، و فیما سقی بالنضح نصف الشعر) [801] «زکات محصولاتی که با آب باران یا

چشمه‌ها آبیاری می‌شود و همچنین محصولاتی که نیازی به آبیاری ندارند، یک دهم

و آنچه با آب کشیدن آبیاری می‌شود یک بیستم است».

تخمین زدن مقدار محصول درختان خرما و انگور (*):

از ابوحمید ساعدی روایت است : (غزونا مع رسول الله r غزوة تبوک، فلما جاء وادی القرى إذا امرأة فی حدیقة لها، فقال النبی r لإصحابه : احرصوا و حرص رسول الله r عشرة أوسق، فقال لها : أحصى ما یخرج منها فلما أتى وادی القرى قال للمرأة : کم جاء حدیقتک؟ قال : عشرة أو سق حرص رسول الله r) [802] «در غزوه تبوک با پیامبر r بودیم. وقتی به وادی القری (شهری قدیم بین مدینه و شام) رسیدیم، پیامبر r زنی را در باغش دید، به اصحابش فرمود مقدار محصول این باغ را تخمین بزنید. پیامبر r آن را ده وسق تخمین زد و به آن زن فرمود : مقدار محصول باغت را به یاد داشته باش، پیامبر وقتی که (مدتی بعد) به آن شهر برگشت به آن زن فرمود : محصول باغت چقدر شد؟ گفت : ده وسق، همان تخمین رسول الله r».

از عایشه روایت است : (کان رسول الله r یبعث عبدالله بن رواحة فیحرص النخل حین یطیب قبل أن یؤکل منه، ثم یخیر یهود یاخذونه بذلك الخرص أو یدفعونه إلیهم بذلك الخرص، لکی یحصی الزکاة قبل أن تؤکل الثمار و تفرق) [803] «پیامبر r عبدالله بن رواحه را می‌فرستاد تا محصول درختان خرما را هنگام رسیدن و قبل از آنکه از آنها خورده شود

تخمین بزند و سپس یهود را مخیر گرداند در اینکه باغ خرما را با همان تخمین نزد خود نگه دارند یا آن را با همان تخمین در اختیار مسلمانان قرار دهند تا زکات آن قبل از خوردن و پراکنده شدن حساب شود».

فهرست

سوم- زکات حیوانات

حیواناتی که زکات در آنها واجب است سه دسته‌اند : شتر، گاو، گوسفند و بز

زکات شتر:

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر r فرمود : (لیس فیما دون خمس ذود من الإبل صدقة)^[1804] «در کمتر از پنج شتر، زکات واجب نیست».

مقدار واجب زکات شتر:

از انس روایت است که وقتی ابوبکر او را به بحرین فرستاد، مطالب زیر را برای او نوشت :

(بسم الله الرحمن الرحيم، هذه فريضة الصدقة التي فرض رسول الله r على المسلمين، و التي أمر الله بها رسوله، فمن سئلهما من المسلمين على وجهها فليعطها، و من سئل فوقها فلا يعط : في أربع و عشرين من الإبل فما دونها من التغنم من كل خمس شاة، فإذا بلغت خمسا و عشرين إلى أربع و عشرين من الإبل فما دونها من الغنم من كل خمس شاة، فإذا بلغت خمسا و عشرين إلى خمس و ثلاثين ففيها بنت مخاض أنثى، فإذا بلغت ستا و ثلاثين إلى خمس و أربعين ففيها بنت لبون أنثى، فإذا بلغت ستا و أربعين إلى ستين ففيها حقة طروقة الجمل، فإذا بلغت واحدة و ستين إلى خمس و سبعين ففيها جذعة فإذا بلغت - يعني ستا و سبعين - إلى تسعين ففيها بنتالبون، فإذا بلغت إحدى و تسعين إلى عشرين و مائظ ففيها حقتان طروقتا الجمل، فإذا زادت على عشرين و مائة ففي كل أربعين بنت لبون، و في كل خمسين حقة، و من لم يكن معه إلا أربع من الإبل فليس فيها صدقة ذلا أن يشاء ربها فإذا بلغت خمسا من الإبل ففيها شاة)^[1805] «بسم الله الرحمن الرحيم، این شر مقدار صدقه‌ای است که پیامبر r آن را بر مسلمانان واجب کرده و خداوند آن را به پیامبرش دستور داده است، لذا از هر مسلمانی خواسته شد که مطابق آن (که خواهد آمد) زکات بدهد، باید آن را بپردازد ولی اگر بیش از آن اندازه از او خواسته شد، نباید بپردازد : زکات هر بیست و چهار شتر و کمتر از آن (تا پنج شتر) گوسفند یا بزد داده شود^(ا)، از هر پنج شتر یک گوسفند. هر گاه تعداد شتران به بیست و پنج تا سی و پنج رأس رسید یک «بنت مخاص^(ب)» و اگر به سی و شش تا چهل و پنج شتر رسید یک «بنت لبون^(ج)» و هرگاه به چهل و شش تا شصت شتر رسید «حقه^(د)» آبستن شدن را داشته باشد زکات داده شود. از شصت و یک تا هفتاد و پنج شتر یک «جذعه^(ه)»، و از هفتاد و شش تا نود شتر دو «بنت لبون»، و از نود و یک تا صد و بیست شتر «دو حقه» که آمادگی آبستن شدن را داشته

باشند واجب می‌گردد. و هرگاه از صد و بیست شتر بیشتر شد در هر چهل شتر یک «بنت لبون» و در هر پنجاه شتر یک «حقه» زکات داده شود. کسی که بیش از چهار شتر نداشته باشد زکات بر او واجب نیست مگر اینکه خودش بپردازد. و اگر به پنج شتر رسید یک گوسفند یا بز واجب می‌شود».

هرگاه نوعی از شتر بر شخص واجب شود که آن را ندارد

از انس روایت است: ابوبکر در مورد صدقه واجبی که خداوند و پیامبرش^r به آن دستور داده‌اند، بر این نوشت: (من بلغت عنده من الإبل صدقة الجذعة وليست عنده جذعة و عنده حقة فإنها تقبل منه الحقة و يجعل معها شاتين إن استيسرتا له أو عشرين درهما، و من بلغت عنده صدقة الحقة و ليست عنده الحقة و عنده الجذعة فإنها تقبل منه الجذعة و يعطيه المصدق عشرين درهما أو شاتين، و من بلغت عنده صدقة الحقة و ليست عنده إلا بنت لبون فإنها تقبل من بنت لبون و يعطى شاتين أو عشرين درهما، و من بلغت صدقته بنت لبون و عنده حقة فإنها تقبل منه الحقة و يعطيه المصدق عشرين درهما أو شاتين، و من بلغت صدقته بنت لبون و ليست عنده و عنده بنت مخاض فإنها تقبل منه بنت مخاض و يعطى معها عشرين درهما أو شاتين)^[806] «اگر تعداد شتران کسی به حد (61 الی 75) رسید که یک جذعه بر او واجب شد ولی جذعه نداشت و حقه داشت، حقه از او پذیرفته شود و باید دو گوسفند در صورت امکان یا بیست درهم را نیز پرداخت کند. و کسی که از زکات شتر، یک حقه بر او واجب شد ولی حقه نداشت و جذعه داشت، جذعه از او قبول شود و زکات گیرنده باید بیست درهم یا دو گوسفند را به او بدهد. کسی که از زکات شتر، یک حقه بر او واجب شد و نزد او فقط یک بنت لبون بود، بنت لبون از او قبول شود و باید علاوه بر آن دو گوسفند یا بیست درهم را نیز بدهد. کسی که از زکات شتر، یک بنت لبون بر او واجب شد و بجای آن حقه داشت، حقه از او قبول شود و زکات گیرنده باید بیست درهم یا دو گوسفند را به او بدهد. کسی که زکات بنت لبون بر او واجب شد ولی بنت لبون نداشت و بنت مخاض داشت، بنت مخاض از او قبول شود ولی باید علاوه بر آن بیست درهم یا دو گوسفند را نیز پرداخت کند».

زکات گاو:

نصاب گاو و مقدار زکات آن :

از معاذ بن جبل روایت است: (بعثني رسول الله^r إلى اليمن، و أمرني أن آخذ من البقر من كل أربعين مسنة، و من كل ثلاثين تبيعاً أو تبيعة)^[807] «پیامبر^r مرا به یمن فرستاد و به من دستور داد تا از هر چهل گاو یک گاو مسنه^(۱) و از هر سی گاو یک تبيع^(ب) را بعنوان زکات بگیرم».

زکات گوسفند (و بز) :

نصاب گوسفند (و بز) و مقدار زکات آن:

از انس روایت است: ابوبکر^r در مورد صدقة واجبی که خداوند به پیامبرش^r دستور داده است برآیم نوشت: (و فی صدقة الغنم فی سائمتها إذا كانت أربعین إلى عشرین و مائة شاة، فإذا كانت سائمة الرجل ناقصة من أربعین شاة واحدة فلیس فیها صدقة إلا أن یشاء ربها)^[808] «زکات گوسفند و بز سائمه (چرنده) از چهل تا صد و بیست رأس، یک گوسفند (یا یک بز) (ع) و از صد و بیست و یک تا دویست رأس، دو گوسفند (یا دو بز) و از دویست و یک تا سیصد رأس، سه گوسفند (یا سه بز) است. اگر تعداد آنها بیشتر از سیصد گوسفند (یا بز) باشد، در هر صد گوسفند (یا بز) یک رأس واجب می‌شود. اگر تعداد گوسفندان (یا بزهای) چرنده کمتر از چهل رأس باشد زکات در آن واجب نیست مگر اینکه صاحبش بخواهد».

فهرست

شروط وجوب زکات در حیوانات:

- 1- نصاب: که مقدار آن در احادیث سابق توضیح داده شد.
- 2- گذشت یک سال کامل: به دلیل فرموده پیامبر^r: (لازکاة فی مال حتی یحول علیه الحول)^[809] «تا یک سال بر مالی نگذرد، زکات در آن واجب نمی‌شود».
- 3- سائمه (چرنده) باشد یعنی بیشتر سال در صحرا بچرد: به دلیل فرموده پیامبر^r: (فی صدقة الغنم فی سائمتها إذا كانت أربعین إلى عشرین و مائة شاة)^[810] «زکات گوسفند (یا بز) سائمه (چرنده) از چهل تا صد و بیست رأس، یک گوسفند (یا یک بز) است».
- در حدیثی دیگر می‌فرماید: (و فی کل ابل سائمة فی کل أربعین ابنة لبون)^[811] «در هر چهل شتر چرنده یک بنت لبون زکات واجب است».

آنچه نباید به عنوان زکات گرفته شود

از ابن عباس روایت است: وقتی که پیامبر^r معاذ را به یمن فرستاد به او فرمود: (و ایما و کرائم أموالهم...) ^[812] «از اموال نفیس آنان پرهیز کن (آن را به عنوان زکات نگیر)».

از انس روایت است که ابوبکر در مورد صدقة واجبی که خداوند به پیامبرش^r دستور داده است برآیم نوشت:

(لا یخرج فی الصدقة هرمة و لا ذات عوار و لاتیس، و إلا ماشاء المصدق)^[813] «حیوان پیرو ناتوان و عیب‌دار کور به عنوان زکات داده نشود و نیز (مأموران جمع‌آوری زکات) گوسفند و بز مخصوص جفت‌گیری را بعنوان زکات نگیرند مگر اینکه صاحبش بخواهد».*

حکم زکات حیوانات شراکتی

هرگاه دونفر یا بیشتر، حیوانات خود را با هم یکجا کنند بطوریکه قابل تفکیک نباشند، در این صورت اگر زکات بر آنها واجب شود هر دو بعنوان یک نفر، آن را پرداخت کنند :

از انس روایت است : ابوبکر در مورد صدقة واجبی که خداوند به پیامبرش r دستور داده است برایم نوشت : (ولایجمع بین متفرق ولا یفرق بین مجتمع خشية الصدقة، و ما کان من خلیطین فإنهما یتراجعان بالسویة) [814] «و از ترس واجب شدن زکات نباید اموال متفرق را جمع^(ا) و اموال جمع شده^(ب) را متفرق کنند. اگر دو نفر با هم شریک باشند، باید هر دو به طور مساوی زکات را بدهند».^(ج)

فهرست

چهارم- زکات رکاز:

رکاز به اشیائی گفته می‌شود که در زمان جاهلیت دفن شده، و بدون هزینه کردن مال و تحمل سختی و کار زیاد بدست آیند.

در رکاز، زکات بصورت فوری واجب می‌گردد بدون اینکه یک سال بر آن بگذرد و یا نصاب معینی داشته باشد : به دلیل عموم فرموده پیامبر r : (وفی الرکاز الخمس) [815] «و

در رکاز خمس واجب است».

مصارف زکات:

خداوند متعال می‌فرماید :

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ، وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (توبه : 60)

«زکات مخصوص فقراء^(ا)، مساکین^(ب)، کارگزاران آن^(ج)، کسانی که جلب محبتشان (برای اسلام) می‌شود، (آزاد کردن) بندگان^(د)، (پرداخت بدهی) بدهکاران^(ه)، (صرف) در راه خدا^(و) و واماندگان^(ز) در راه می‌باشد. این یک فریضه مهم الهی است و خدا دانا و حکیم است».^[816]

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه (2/364) می‌گوید :

«پس از آن که خداوند اعتراض و عیبجویی منافقین جاهل از پیامبر r را درباره تقسیم زکات ذکر نمود، روشن کرد که تنها اوست که صدقات را تقسیم کرده و حکم آن را روشن نموده، تقسیم و سرپرستی آن را بر عهده گرفته و آن را بر اصناف مذکور تقسیم کرده است.»

فهرست

آیا واجب است که زکات به همه اصناف هشتگانه داده شود؟

ابن کثیر می‌گوید: در اینکه زکات باید به تمام این اصناف هشتگانه داده شود یا به هر کدام از آنها که داده شد، صحیح است علما دو نظر دارند:

اول: بر زکات‌دهنده واجب است زکاتش را به همه این اصناف بدهد. این نظر شافعی و جماعتی از علماء است.

دوم: بر زکات‌دهنده واجب نیست زکاتش را به تمام این اصناف بدهد بلکه جایز است تمام زکاتش را با وجود بقیه اصناف به یکی از آنها بدهد، و این نظر مالک و جماعتی از سلف و خلف از جمله عمر و حذیفه و ابن عباس و ابوالعالیه و سعید بن جبیر و میمون بن مهران است. ابن جریر گوید: این نظر اکثر اهل علم است؛ لذا، این اصناف هشتگانه به منظور روشن شدن مستحقین زکات ذکر شده‌اند، نه برای بیان وجوب پرداخت زکات به تمام آنها. ابن کثیر گوید: احادیثی را که برای هر یک از اصناف هشتگانه دلالت دارد ذکر می‌کنیم:

1- فقراء:

از ابن عمرو روایت است که پیامبر r فرمود: **(لا تحل الصدقة لغنی و لا لذی مرة سوی)** [817] «زکات برای بی‌نیاز و شخص نیرومند و سالمی که توانایی کار دارد جایز نیست.»

از عبیدالله بن عدی بن خیار روایت است: دو مرد به من خبر دادند که (آنها) نزد پیامبر r رفتند و از او صدقه خواستند، پیامبر r نگاهی به آنان کرد، آنها را قوی و نیرومند دید، فرمود: **(إن شئتما أعطیتكما، ولاحظ فیها لغنی و لالقوی مکتسب)** [818] «اگر می‌خواهید به شما (از زکات) می‌دهم ولی بدانید که ثروتمند و نیرومندی که توانایی کار دارد هیچ سهمی در آن ندارد.»

2- مساکین:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(لیس المسکین بهذا الطواف الذی یطوف علی الناس، فترده اللقمة واللقتان، و التمرة و التمرتان، قالوا فما المسکین یا رسول الله؟ قال: الذی لایجد غنی یغنیه، و لایفطن له فیتصدق علیه، و لایسأل الناس شیئا)** [819]

«مسکین کسی نیست که بین مردم می‌گردد (از آنها می‌خواهد) و یک لقمه یا دو لقمه و یک خرما و یا دو خرمایی او را (از کنار شما) برمی‌گرداند، گفتند ای رسول خدا پس مسکین کیست؟ فرمود: کسی است که چیزی که او را بی‌نیاز کند نمی‌یابد و از مردم چیزی نمی‌خواهد، و مردم نیز از فقر او آگاهی ندارند تا به او صدقه دهند».

3- مأموران جمع‌آوری زکات:

کسانی که مسئولیت جمع‌آوری زکات را بر عهده دارند در مقابل آن، سهی از زکات را دریافت می‌نمایند، جایز نیست که این افراد از نزدیکان پیامبر r که صدقه بر آنها حرام است باشند؛ به دلیل حدیثی که در صحیح مسلم از عبدالمطلب بن ربیع بن حارث آمده که او و فضل بن عباس نزد پیامبر r رفتند تا از او بخواهند که آنها را مأمور جمع‌آوری زکات کند. پیامبر r فرمود: (إن الصدقة لاتحل لمحمد ولا لآل محمد، إنما هی أوساخ الناس)^[820] «صدقه برای محمد و آل محمد حلال نیست؛ چراکه صدقه، چرکهای اموال مردم است».

4- مؤلفه القلوب:

مؤلفه القلوب چند دسته‌اند:

گروه اول: زکات به آنها داده می‌شود تا اسلام بیاورند، همچنان که پیامبر r از غنائم حنین به صفوان بن أمیه داد در حالی که صفوان زمان غزوه حنین هنوز مشرک بود. صفوان بن أمیه گفت: (فلم یزل یعطینی حتی صار أحب الناس إلی، بعد أن کان أبغض الناس إلی)^[821] «پیوسته (پیامبر) به من صدقه می‌داد تا محبوب‌ترین مردم نزد من شد، بعد از آنکه مبعوض‌ترین مردم نزد من بود».

گروه دوم: زکات به آنها پرداخت می‌شود تا اسلامشان نیکو گردد و قلبشان بر اسلام ثابت شود همچنان که پیامبر r روز غزوه حنین به جماعتی از مبارزان و اشراف آزاد شده یکصد شتر داد و فرمود: (انی لأعطی الرجل، و غیره أحب إلی منه، خشية أن یکبه الله علی وجهه فی نار جهنم)^[822] «گاهی من به کسی چیزی می‌دهم در حالیکه دیگران (ی که به آنها نداده‌ام) نزد من محبوب‌ترند، (فقط بخاطر) ترس اینکه مبادا اگر به او ندهم مرتد شود، و خداوند وارونه او را در آتش اندازد».

در صحیح بخاری و مسلم از ابوسعید روایت است: (أن علیا بعث إلی النبی r بذهیبه فی تربتها من الیمن فقسما بین أربعة نفر: الأقرع بن حابس، عیینة بن بدر، علقمة بن علانة، و زید الخیر و قال: أتالفهم)^[823] «علی طلا اندودی را با خاکش از یمن برای پیامبر r فرستاد، پیامبر آن را بین چهار نفر تقسیم کرد: أقرع بن حابس، عیینة بن بدر، علقمة بن علانة و زید الخیر و فرمود: دل‌هایشان را برای اسلام بدست می‌آورم».

گروه سوم: قومی که زکات به آنها داده می‌شود به امید اینکه بزرگان آن قوم مسلمان شوند.

دسته‌ی چهارم : کسانی که زکات به آنها داده می‌شود تا زکات را از زیردستان خود جمع‌آوری کرده یا ضرر را از اطراف مملکت اسلامی و حوزه مسلمانان دور کنند. و الله أعلم.

آیا بعد از پیامبر صلی الله علیه وسلم زکات به تألیف قلوب داده می‌شود؟

ابن کثیر می‌گوید : در این مسئله اختلاف نظر است :

از عمر و عامر و شعبی و جماعتی روایت شده که بعد از پیامبر زکات بمنظور تألیف قلوب داده نمی‌شود؛ چون خداوند عزوجل اسلام و مسلمانان را عزت بخشیده و به آنها قدرت داده و دیگر مردم را مطیع آنان ساخته است.

گروهی دیگر می‌گویند: به آنان داده می‌شود؛ چون پیامبر بعد از فتح مکه و شکست هوازن به آنان (صدقه تألیف قلوب) داد و این چیزی است که گاهی مورد نیاز است. پس در آن صورت باید به آنها داده شود.

5- در راه آزاد کردن بردگان:

از حسن بصری و مقاتل بن حیان و عمر بن عبدالعزیز و سعید بن جبیر و نخعی و زهری و ابن زید روایت است که مراد از «فی الرقاب» : بردگان مکاتب است (بردگانی که با آنها کتابت شده تا در ازای پرداخت مبلغی به اربابشان آزاد شوند). از ابوموسی اشعری نیز مانند این قول روایت شده است و این قول شافعی و لیث (رض) است، ابن عباس و حسن گویند : می‌توان با مال زکات (برده‌ای را) آزاد کرد و این مذهب احمد و مالک و اسحاق است، یعنی همانطور که زکات به برده مکاتب داده می‌شود، به طریق اولی می‌توان با آن برده‌ای را خریداری و آزاد کرد.

درباره ثواب آزاد کردن بردگان، احادیث زیادی آمده مبنی بر اینکه خداوند به ازای هر عضوی از برده آزاد شده، عضوی از آزاد کننده را از آتش جهنم آزاد می‌کند، حتی شرمگاه آزاد کننده را در مقابل شرمگاه برده آزاد شده از آتش جهنم نجات می‌دهد^[824] و این بدان خاطر است که جزا از جنس عمل است (و ما تجزون إلا ما کنتم تعلمون) «و جزا داده نمی‌شوید مگر مانند آنچه که انجام داده‌اید».

6- بدهکاران، که به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- 1- بدهکارانی که بمنظور اصلاح بین مردم مالی (دیه) را برعهده گرفته‌اند.
- 2- کسانی که ضامن آنچنان قرضی شده‌اند که تمام دارائیهای آنها را در بر گرفته است.
- 3- کسانی که می‌خواهند بدهی خود را پرداخت کنند یا در مقابل گناهی که مرتکب شده و توبه کرده‌اند، جریمه شده‌اند. به همه این بدهکاران دادن زکات جایز است :

اصل در این باره حدیث قبیصه بن مخارق هلالی است که گوید : (تحملت حمالة، فأتیت رسول الله ﷺ أسأله فيها فقال : أقم حتى تاتينا الصدقة فنأمر لك بها، قال، ثم قال : يا قبیصه، إن المسئلة لاتحل إلا لأحد ثلاثة : رجل تحمل حمالة فحلت له المسئلة حتى يصيبها ثم يمسك، و رجل أصابته جائحة اجتاحت ماله فحلت له المسئلة، حتى يصيب قواما من عیش، أو قال : سدادا من عیش، و رجل أصابه فاقة حتى يقوم ثلاثة من ذوی الحجا من قومه : لقد أصابت فلانا فاقة، فحلت له المسئلة حتى يصيب قواما من عیش، أو قال سدادا من عیش، فما سواهن من المسئلة یا قبیصه سحتا يأكلها صاحبها سحتا) [825] «به خاطر اصلاح، پرداخت مالی را بر عهده گرفتم. نزد پیامبر ﷺ آمدم تا از او درخواست کمک کنم. پیامبر ﷺ فرمود : نزد ما بمان تا بر ایمان صدقه برسد و دستور دهم تا از آن به تو بدهند، قبیصه گوید : سپس پیامبر ﷺ فرمود : درخواست کمک جایز نیست مگر برای سه گروه : مردی که بمنظور اصلاح بین مردم، پرداخت مالی را بر عهده گرفته باشد که در این حالت درخواست کمک برای او جایز است تا وقتی که آن را بدست آورد، سپس باید از درخواست کمک خودداری کند. و مردی که به مصیبتی گرفتار شده، و مالش از بین رفته می‌تواند طلب کمک کند تا وقتی که زندگیش سروسامان بگیرد، و مردی که به فقر و نداری گرفتار شده به طوری که سه نفر از خردمندان قومش بگویند فلانی دچار تنگدستی شده است، برای او هم درخواست کمک جایز است تا وقتی که زندگیش سروسامان بگیرد، سپس پیامبر ﷺ فرمود : ای قبیصه : درخواست کمک برای غیر اینها حرام است و گیرنده آن حرام می‌خورد».

7- در راه خدا:

به مجاهدینی که از بیت‌المال حقوقی دریافت نمی‌کنند، دادن زکات جایز است. به نظر امام احمد و حسن و اسحاق، حج هم بنا بر حدیثی که در این باره وجود دارد در راه خدا محسوب می‌گردد.

می‌گویم : منظورش از حدیث، حدیث ابن عباس t است که گفت :

(أراد رسول الله ﷺ الحج، فقالت امرأة لزوجها : أحجني مع رسول الله ﷺ، فقال : ما عندي ما أحجك عليه. قالت : أحجني على جملك فلان. قال ذاك حبیب في سبيل الله عزوجل، فأتی رسول الله ﷺ فقال : إن امرأتی تقرأ عليك السلام و رحمة الله، و إنها سألتنی الحج معك، قالت أحجني مع رسول الله ﷺ، فقلت ما عندي ما أحجك عليه. قالت : أحجني على جملك فلان. فقلت ذلك حبیب في سبيل الله. فقال ﷺ : أما إنك لو أحجتها عليه كان في سبيل الله) [826] «پیامبر ﷺ خواست به حج برود، زنی به شوهرش گفت با پیامبر ﷺ مرا به حج بفرست. شوهرش گفت : چیزیندارم که با آن تو را به حج بفرستم. زن گفت : با فلان شترت مرا به حج بفرست. شوهرش گفت : آن شتر مخصوص جهاد در راه خدا است. آن مرد نزد پیامبر ﷺ رفت و به او گفت : همسرم برای شما سلام و رحمت خدا می‌فرستد و از من خواست که او را با شما به حج بفرستم، و گفته مرا با پیامبر ﷺ به حج بفرست، به او گفتم چیزی ندارم که با آن تو را به حج بفرستم، همسرم گفت مرا با فلان شتر به حج بفرست.

گفتم آن شتر مخصوص جهاد در راه خدا است، پیامبر r فرمود : اگر تو او را با آن شتر به حج بفرستی (این کارت جهاد) در راه خدا است».

8- ابن السبیل (در راه ماندگان) :

ابن السبیل مسافری است که گذرش به سرزمینی افتاده و چیزی به همراه ندارد که در راه سفرش صرف کند، که در این صورت می‌توان از زکات آن مقداری را به او داد که بتواند به محل زندگی خود برگردد، اگرچه در شهر خودش صاحب مال و دارایی باشد. همچنین کسی که بدون اینکه پولی به همراه داشته باشد از شهرش عازم سفر شود، می‌توان به اندازه‌ی هزینه رفت و برگشت از مال زکات به او داد، به دلیل آیه مذکور و نیز حدیثی که امام ابوداود و ابن ماجه از معمر از یزید بن أسلم از عطاء بن یسار از ابوسعید روایت کرده‌اند که گفت : پیامبر r فرمود : **(لا تحل الصدقة لغنی إلا خمسة : العامل علیها، أو رجل اشتراها بماله، أو غارم أو غاز فی سبیل الله، أو مسکین تصدق علیه فأهدی منها لغنی)** [827] «زکات برای افراد ثروتمند حلال نیست مگر در پنج حالت : مأمور جمع‌آوری زکات، کسی که با مال خود زکات را می‌خرد یا کسی که (در راه خود یا اصلاح بین دیگران) بدهکار شده یا در راه خدا جنگیده یا مسکینی که زکات به او داده شده سپس او آن را به بی‌نیازی هدیه می‌کند».

فهرست

زکات فطر

حکم زکات فطر:

زکات فطر بر هر مسلمانی واجب است به دلیل حدیث ابن عمر t : **(فرض رسول الله r زکاة الفطر صاعا من تمر أو صاعا من شعیر علی العبد والحر، و الذکر و الأنثی و الصغیر و الکبیر من المسلمین، و أمر بها أن تؤدی قبل خروج الناس إلى الصلاة)** [828] «پیامبر r زکات فطر را که یک صاع^(*) خرما یا جو است بر هر مسلمان برده، آزاد، مرد، زن، کوچک و بزرگ واجب کرد و دستور داد که قبل از خروج مردم به طرف نماز عید پرداخت شود».

حکمت زکات فطر:

از ابن عباس روایت است : **(فرض رسول الله r زکاة الفطر طهرة للصائم من اللغو و الرفث، و طعمة للمساکین فمن أداها قبل الصلاة فهي زکاة مقبولة، و من أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات)** [829] «پیامبر r زکات فطر را به عنوان پاک‌کننده‌ی روزه‌دار از سخنان بیهوده و دشنام و بعنوان رزق و خوراکی برای مساکین واجب کرده است. پس هر کس آنرا قبل از نماز (عید) بدهد، آن زکاتی قبول است و هر کس آنرا بعد از نماز عید پرداخت کند صدقه‌ای همچون (سایر) صدقات است (به عنوان زکات فطر محسوب نمی‌شود)».

زکات فطر بر چه کسانی واجب است؟

زکات فطر بر هر مسلمان آزادی که بیش از قوت یک شبانه روز خود و خانواده‌اش داشته باشد، واجب است. و بر شخص واجب است که زکات فطر خود و کسانی را که نفقه آنها بر عهده او است مانند همسر و فرزندان و خدمتکارش - اگر مسلمان باشند - بپردازد.

از ابن عمر روایت است: (أمر رسول الله ﷺ بصدقة الفطر عن الصغير والكبير والحر والعبد ممن تمونون)^[830] «پیامبر ﷺ به دادن زکات فطر از کوچک و بزرگ و آزاد و برده، و کسانی که نفقه آنها بر عهده شما است امر فرموده است».

مقدار زکات فطر:

مقدار واجب برای هر نفر نیم صاع از گندم یا یک صاع از خرما یا مویز یا جو یا کشک یا سایر چیزهایی است که جایگزین آنها می‌شوند مانند برنج و ذرت و مانند اینها که به عنوان قوت مصرف می‌شوند.

دلیل اینکه مقدار واجب از گندم نیم صاع است حدیث عروه بن زبیر است که می‌گوید: (أن أسماء بنت أبي بكر كانت تخرج على عهد رسول الله ﷺ عن أهلها - الحر منهم و المملوك - مدين من حنطة أو صاعا من تمر، بالمد أو بالصاع الذي يقتاتون به)^[831] «اسماء دختر ابوبکر در زمان پیامبر ﷺ زکات فطر افراد آزاد و برده خانواده‌اش را می‌داد که مقدار آن دو مد گندم^(*) یا یک صاع خرما بود، با مد و صاعی که قوت را با آن پیمانه می‌کردند».

و دلیل وجوب یک صاع از غیر گندم حدیث ابوسعید خدری است که گفت: (كنا نخرج زكاة الفطر صاعا من طعام أو صاعا من شعير، أو صاعا من تمر. أو صاعا من أقط أو صاعا من زبيب)^[832] «ماز زکات فطر را که مقدار آن یک صاع از طعام یا یک صاع از جو یا یک صاع از خرما یا یک صاع از کشک یا یک صاع از مویز بود می‌دادیم».

نووی در شرح مسلم (70/6) می‌گوید:

«عامه فقهاء دادن قیمت بجای جنس را جایز ندانسته‌اند ولی ابوحنیفه آن را جایز دانسته است». می‌گویم: قول ابوحنیفه (رحمه الله) مردود است چون (و ما كان ربك نسيا) «و پروردگار تو هرگز فراموشکار نبوده است». و اگر پرداخت قیمت به جای جنس جایز می‌بود خدا و رسول او، آن را بیان می‌فرمودند؛ بنابراین توقف بر ظاهر نصوص بدون تحریف و تأویل واجب است.

زمان پرداخت زکات فطر:

از ابن عمر روایت است : (أمر رسول الله ﷺ بزكاة الفطر أن تودي قبل خروج الناس إلى الصلاة) [833] «پیامبر ﷺ دستور داد تا زکات فطر قبل از خروج مردم برای نماز عید، پرداخت شود».

جایز است که زکات فطر یک یا دو روز قبل از عید به کسی که آن را می‌گیرد پرداخت شود :

از نافع روایت است : (كان ابن عمر يعطيها الذين يقبلونها، و كانوا يعطون قبل الفطر بيوم أو يومين) [834] «ابن عمر زکات فطر را به کسانی که آنرا قبول می‌کردند می‌داد و به آنان یک یا دو روز قبل از عید داده می‌شد».

پرداخت نکردن به موقع آن بدون عذر حرام است

از ابن عباس روایت است : (فرض رسول الله ﷺ زكاة الفطر طهرة للصائم من اللغو و الرفث، و طعمة للمساكين، فمن أداها قبل الصلاة فهي زكاة مقبولة، و من أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات) [835] «پیامبر ﷺ زکات فطر را به عنوان پاک‌کننده روزه‌دار از سخنان بیهوده و دشنام و بعنوان رزق و خوراکی برای مساکین واجب کرده است، پس هر کس قبل از نماز (عید) آن را بپردازد، آن قبول است و هر کس بعد از نماز عید آن را بدهد صدقه‌ای همچون (سایر) صدقات است. (به عنوان زکات فطر محسوب نمی‌شود)».

فهرست

مستحقان زکات فطر:

زکات فطر تنها به مساکین داده می‌شود؛ به دلیل فرموده پیامبر ﷺ در حدیث ابن عباس : (و طعمة للمساكين) [836] «زکات فطر رزق و خوراکی برای مساکین است».

صدقه سنت:

مستحب است بسیار صدقه داده شود : به دلیل فرموده خداوند متعال:

(مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (بقره : 261)

«مثال کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند برای هر کسی که بخواهد آن را چندین برابر می‌کند و خدا (قدرت و نعمتش) فراوان و از همه چیز آگاه است».

و به دلیل فرموده پیامبر r: (ما من يوم يصبح العباد فيه إلا ملكان ينزلان، فيقول أحدهما اللهم أعط منفقاً خلفاً و يقول الآخر: اللهم أعط ممسكاً تلفاً)^[837] «هر روزی که بندگان در آن صبح می‌کنند دو فرشته نازل می‌شود، یکی از آنها می‌گوید: خداوندا! به کسی که مالش را در راه تو می‌بخشد، عوض و پاداش عطا کن و دیگری می‌گوید: خداوندا! کسی که آن را محکم گرفته و در راه تو نمی‌بخشد ضرر و زیان بده».

مستحق‌ترین افراد به صدقه مسلمان همانا خانواده و خویشاوندان او هستند. به دلیل فرموده پیامبر r: (الصدقة على المسكين صدقة، و على ذي الرحم ثنتان: صدقة وصله)^[838]

«صدقه دادن به مسکین، تنها یک صدقه است ولی صدقه دادن به خویشاوند دو تا است هم صدقه است، و هم صله‌ی رحم».